

## آغاز زندگی

نیکی میرزائی

[niki.mirzaei@hotmail.com](mailto:niki.mirzaei@hotmail.com)

ابر مویه کنان بغضی شد و ترکید  
آسمان بر گوشه اش نوشت  
پرواز شاخه از درخت  
آغاز زندگیست  
جنگل زرد از فکر رهایی جوانه زد  
زمین با پیراهنی از شقایق و باران  
در آفتاب سرخ رقصید  
کوچه های پرواز پر از شعر و شعار و ترانه  
نام گلها را  
بر کتبیبه ها نوشتند .

## پرنده های فاتح

نیکی میرزائی

[niki.mirzaei@hotmail.com](mailto:niki.mirzaei@hotmail.com)

در تنفس سیاه شب  
پچپچه های رویش جوانه ها  
صدای زایش بارانی سیل آساست  
عطر خیزش شکوفه ها  
غروب رنج را کوچ می دهد  
و بیرون از خلوت سکوت  
با خیال پرواز پرنده های فاتح  
آسمان را پر می کنند

دزدان دریایی

بادبادنی از عمامه های سیاه و سفید برافراشته اند  
تا در بندر نجات لنگر بیاندازند  
آنان به خیالشان که تاریخ با موج ها غرق می شود

و

تقویم صفحاتی برای نگارش اعداد است

57 58 60 62 67 78 88

فرعونیان نمی دانند که نام رمز بهار

پشت حصار

پیروزیست.

دشتی تا ارتفاع

نیکی میرزائی

[niki.mirzaei@hotmail.com](mailto:niki.mirzaei@hotmail.com)

در شهری بی پنجره که قافله ی قهر

در کوچه ها پرسه می زند

و فصل ها ثانیه های کهنه را تنفس می کنند

میان چشم های خیس باران

فواره های رقص حلق آویز می شوند

و

زمین بر بالین شب

واهمه هایش را اندازه می گیرد

به تو می پیوندم به تو ای همصدا

تا از خاطره آفتاب و گل حماسه بچینیم

شبانۀ های تنهایی تو

در سلولهای تورم تاول

ستارگان برفی را در خوابهای ملتهب فرو می ریزد

زخم تو دشتی ست تا ارتفاع آفریدن

این خفتگان مومیایی

از غروب های مرده خواهند افتاد

زمان در دستان شناور ما منزل دارد.

ابتدای راه  
نیکی میرزائی  
[niki.mirzaei@hotmail.com](mailto:niki.mirzaei@hotmail.com)

من هنوز در ابتدای راهم  
در ابتدای راه  
و دست هایم در سرگردانی اشاره ایست  
تا دست هایت را از سکوت پس بگیرد  
و در لحظه های چرکین تنهایی من بیاشد

من هنوز در ابتدای راهم  
در ابتدای راه  
وپا هایم در انتهای دالان های سراسیمگی  
به آواز بلند شب گوش می دهد  
تا مگر دختر کولی روز  
سرود خوانان در بگشاید  
و گلویم پر از بغض سالخورده ی دلتنگی ها  
شعر صمیمیت های بی پیرایه را بسراید  
مگر که در تاریکی فاصله ها  
به ظهور حجم غریب درد نرسیم

من هنوز در ابتدای راهم  
در ابتدای راه  
شاید که لالایی خواب بلند عشق را  
هزار باره بشنوم  
و  
بیداری را به وسعت نور تکرار کنم.